



Imam Sadiq Research Institute

for Islamic Sciences

Research Institute Social Studies

P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://gotfeman.isri.ac.ir>

Volume: 1 ; Number: 1

A Research on The Cultural Connection Between The Discourse of The Islamic Revolution And The Islamic Awakening With The Basij Discourse Approach

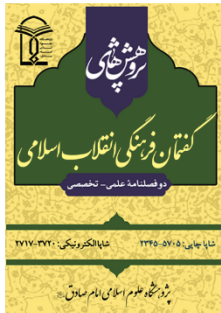
Hadi Abdul Maliki*

doi: <https://doi.org/10.22034/CDR.2024.294799.1003>

Received: 2024/4/13 ; Accepted: 2024/6/26

Type of Article: Research

(146-183)

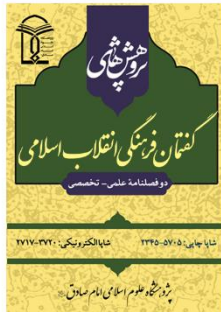


Abstract

Beyond the common theories in the context of the 21st century developments, the Islamic revolution is considered a new and disruptive political, social and cultural discourse that, at the height of materialism of human civilization, proposed and restored the principle of the possibility of human divine life. This discourse has all the fundamental (theoretical) and superstructure (behavioral) features and components of civilization. The tangible and concrete part of this discourse is placed in the circle of empirical metaphors and myths of its territorial domain and global interactions, and its abstract and ideal part is based on the evolutionary and exalting view of the human kind, which seeks to balance with the first part for the realization of a good life. He is a human being and he thinks about individual and social "Day of Reckoning" in the eschatological view; Therefore, in the role of herald of civilizational responsibility, it has discourse components that can prescribe a transformation beyond the current discourses of the human generation. This research has been done with the aim of explaining the strategic model of the success of Basij Islamic Revolution discourse in the context of Islamic Awakening developments and using the discourse analysis method. The results showed that this model has found a strategic and idealistic link in the area of its civilizational influence with the Islamic awakening movement in the region, which should serve as the Umm Al-Qur'a of the Islamic world in eliminating the two obvious gaps in the text of the recent Islamic awakening movement, including inspirational leadership and the public mobilization model. Help the success of the awakening of the Islamic Ummah. As the experience of Iraq and Syria showed, the experienced model of public mobilization with the perspective of the Islamic revolution is effective and open to the preservation and continuation of Islamic awakening in various dimensions of this movement.

Keywords: Islamic Modern Civilization, Islamic Revolution Discourse, Islamic Awakening, Basij Discourse.

*. Researcher of Basij Studies and Research Center, Islamic Revolution University, Tehran, Iran, ebrahimzadeh321@gmail.com.



* پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات و تحقیقات بسیج، دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران، ایران، ebrahimzadeh321@gmail.com

جستاری در پیوند تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی و جریان بیداری اسلامی با رویکرد گفتمان بسیج

هادی عبدالملکی*

شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/CDR.2024.294799.1003>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۶

نوع مقاله: پژوهشی

(۱۸۳-۱۴۶)

چکیده

انقلاب اسلامی فراتر از نظریه‌های رایج در متن تحولات قرن ۲۱، یک گفتمان جدید و ساختارشکن سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود که در اوج مادی‌گرایی تمدن بشری، اصل نظریه امکان‌پذیری حیات الهی انسان را مطرح و بازیابی کرد. این گفتمان تمام ویژگی‌ها و مؤلفه‌های بنیادین (نظری) و روبنایی (رفتاری) تمدن‌سازی را داراست. بخش محسوس و انضمامی شده این گفتمان، در دایره استعاره‌ها و اسطوره‌های تجربی حوزه سرزمینی خود و تعاملات جهانی قرار می‌گیرد و بخش انتزاعی و آرمانی آن بر بنیان نگاه تکاملی و تعالی بخش نوع انسان قرار می‌گیرد که در پی تعادل با بخش اول برای تحقق حیات طیبه انسانی است و در نگاه فرجام‌گرایانه به «یوم یقوم الحساب» فردی و اجتماعی می‌اندیشد؛ از این رو، در نقش منادی مسئولیت تمدنی، واجد مؤلفه‌های گفتمانی است که می‌تواند تحولی فراتر از گفتمان‌های جاری نسل بشر را تجویز کند. این تحقیق با هدف تبیین الگوی راهبردی موفقیت گفتمان بسیج انقلاب اسلامی در متن تحولات بیداری اسلامی و به روش تحلیل گفتمان انجام شده است. نتایج نشان داد این الگو در حوزه نفوذ تمدنی خود با جریان بیداری اسلامی منطقه، پیوندی راهبردی و آرمان‌گرایانه یافته است که باید به‌منزله ام‌القرای جهان اسلام در رفع دو خلأ مشهود در متن جریان اخیر بیداری اسلامی، شامل رهبری الهام‌بخش و الگوی بسیج عمومی، به موفقیت بیداری امت اسلامی کمک کند. همان‌طور که تجربه عراق و سوریه نشان داد، الگوی تجربه‌شده بسیج عمومی با چشم‌انداز انقلاب اسلامی برای حفظ و تداوم بیداری اسلامی در ابعاد مختلف این جریان مؤثر و راه‌گشاست.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، گفتمان انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، گفتمان بسیج.

مقدمه

روند مبارزه و حرکت انقلاب اسلامی از نظر چشم انداز و راهبردهای متداول، از شروع مبارزه تا پیروزی نهایی، نشان می‌دهد تقریباً تکلیف بسیاری از مؤلفه‌های اصلی انقلاب به منزله یک داعیه تمدنی در مرحله اول و شروع فرایند تمدن سازی از لحاظ مبانی و اصول کلی روشن است. برخلاف این موضوع، یکی از مسائل اصلی تداوم انقلاب ابهام در روند تمدن‌پروری و تمدن‌داری^۱ بود که ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده بود. در راستای پاسخ به این ابهام، از همان روزهای اولیه شروع نهضت، به رهبری امام خمینی^ع، بسیاری از صاحب‌نظران و همراهان انقلاب از ایشان می‌خواستند تا کارگزاران خود را برای اداره جامعه اسلامی در آینده معرفی کند. امام در مقابل آنان دائماً از واژه مردم و ملت استفاده می‌کرد؛ به این مفهوم که مردم در متن گفتمان انقلابی امام قرار داشتند.^۲ برحسب عادت، بسیاری بستر حضور مردم را صرفاً در نهاد و سازمان رسمی و یا حزب تعریف می‌کردند؛ اما ظاهراً رهبر کبیر انقلاب اسلامی، راهبردی دیگر برای نقش‌آفرینی مردم در ذهن داشت.

حجت‌الاسلام رحمانی^۳ می‌گوید: «امام در پاسخ به نظرات برخی از یاران خود در خصوص وضعیت اداره جامعه بعد از پیروزی انقلاب فرمودند: به‌حول وقوه الهی، برای حفظ نظام و سرزمین ملت شریف ایران بسیج راه خواهم انداخت.» (خانی، ۱۳۹۲: ۳۶۵). همچنین ایشان می‌گوید: «از شهید حجت‌الاسلام محلاتی شنیدم که امام در پاسخ پیشنهاد برخی افراد در رابطه با استفاده از نیروهای انجمن حجّتیّه، فرمودند: من نیازی به آدم‌های مارک‌دار ندارم. همه جوانان این کشور فرزندان و سربازان امام زمان^ع هستند. همچنین امام به آقای پروجردی فرمودند: من در اندیشه تشکیل بسیج.» (خانی، همان: ۳۱۲).

۱. مرحله تمدن‌پروری ناظر بر انجام طراحی‌های نظری، تبیین نهادی و ساختاری قانونی و حقوقی برای پیاده‌سازی اصول و مبانی انقلاب در افق تمدنی است و مرحله تمدن‌داری ناظر بر انجام فعالیت‌ها و اقدامات عملی در راستای تعیین چشم‌انداز، اهداف و راهبردهای عملیاتی و کارآمد دستیابی به آرمان‌های کلان در افق تمدنی است.
۲. از شهید مطهری نقل شده است که بعد از ملاقات با امام خمینی در پاریس می‌فرمایند که امام در مسیر نهضت، سه اعتقاد دارند: اعتقاد به خدا، اعتقاد به راه و هدف، و اعتقاد به مردم.

۳. از یاران امام و اولین مسئول بسیج مستضعفین

این برداشت امام از بسیج نشان می‌دهد برخلاف بسیاری از نظریه‌پردازان که بسیج را خاص حرکت توده‌ای برای وقوع انقلاب می‌دانند، ایشان علاوه بر مقام تأسیسی، مقام تداومی برای بسیج قائل است؛ مقامی که نقش آن در مراحل تداوم تمدن، یعنی مرحله تمدن‌پروری و تمدن‌داری، حائز اهمیت مضاعف است. مقام معظم رهبری در چهلمین سالگرد تأسیس بسیج، بسیج را مظهر اقتدار ملی و نماینده صفا و اخلاص و بصیرت و مجاهدت می‌داند و از آن همچون ثروت بزرگ و ذخیره خداداد ملت ایران یاد می‌کند (مقام معظم رهبری، پیام به مناسبت سالروز تشکیل بسیج، ۱۳۹۹/۹/۵).

تحلیل روند حوادث و رویدادهای سخت و نرم دوران پیروزی و تثبیت نظام اسلامی در رصد و خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان و همچنین گسترش حوزه نفوذ عقیدتی و سرزمینی انقلاب اسلامی در منطقه و جهان نشان داد که در حفاظت از اصل انقلاب و دستاوردهای آن، نوعی تکامل گفتمانی صورت گرفته است و بین گفتمان حاکمان و گفتمان مردم نوعی پیوند و همراهی وجود داشته است. این همگرایی مرهون اقدام ابتکاری و نوآورانه امام علیه السلام در تشکیل و تأسیس بسیج بوده است. حال سؤال این است که آیا در سیر تکامل مؤلفه‌های تمدنی می‌توان این تکثیر و توزیع را در حوزه نفوذ فکری و روشی انقلاب اسلامی در منطقه و جهان اسلام محقق کرد و آیا علائم و پیشران‌های این اتفاق قابل رؤیت است؟ قطعاً این سؤال راهبردی، معطوف به درک راهبردی از این مشکل است که جریان اخیر بیداری اسلامی، به‌طورکلی از دو خلأ اساسی رنج می‌برد که موفقیت آن را هم دچار مشکل کرده است:

۱. خلأ رهبری الهام‌بخش و انسجام‌دهنده
 ۲. خلأ بسیج عمومی و توان فعالیت تشکیلاتی منسجم مبتنی بر توان مردم.
- مروری بر حوادث بعد از انقلاب، در کشورهای نظیر مصر،^۱ لیبی و تونس، نشان می‌دهد که استکبار جهانی و جریان تکفیری منطقه به‌طور وسیعی از این دو خلأ برای

۱. تجربه انقلاب مصر نشان داد که مرسى (رئیس‌جمهور منتخب بعد از انقلاب) چون از جایگاه رهبری برخوردار نبود و امکان حضور مردم، به‌مثابه صاحبان اصلی انقلاب، را در متن جامعه فراهم نکرده بود، به‌راحتی با کودتای نظامی و دخالت خارجی حذف شد و حتی اجازه حضور توده‌های مردم را در حمایت از خود از دست داد.

مصادره انقلاب مردم به نفع خود بهره‌برداری کرده است. درحالی‌که کارکرد رهبری اثربخش، آن است که اهداف، آرمان و راهبردهای کلان و بنیادین را ترسیم می‌کند و کارکرد بسیج عمومی، آن است که مردم را برای تحقق اهداف و آرمان‌ها بدون چشمداشت مادی و محاسبه سود و زیان، با بسیج امکانات موجود، به صورت دائمی در صحنه و حاضر نگه می‌دارد.^۱

این مقاله به روش کیفی و با تکیه بر روش تحلیل متن (محتوای کیفی) و تحلیل ثانویه (استفاده از نتایج تحقیقات مرتبط) به سرانجام رسیده است.

از آنجاکه بسیاری از متفکران داخلی و جهانی، بر این باورند که بیداری امت مسلمان و به ویژه کشورهای منطقه غرب آسیا، پرتوی از انقلاب اسلامی در قرن حاضر است. مقاله پیش رو با تبیین ابعاد و ویژگی‌های گفتمان امامین انقلاب در محتوایبخشی به این گفتمان، درصدد ارائه راهبردهای اساسی پیوند این گفتمان با جریان بیداری اسلامی است. علاوه براین، در پیوند گفتمان انقلاب اسلامی با جریان بیداری اسلامی به صورت خاص بر نقش تأسیسی آن در تمدن‌سازی و نقش تداومی آن در تمدن‌پروری و تمدن‌داری با عنوان رویکرد بسیج عمومی برای دفاع همه‌جانبه، در حفظ و تداوم موفقیت جریان بیداری اسلامی تأکید خواهد شد.

۱. تعریف گفتمان

گفتمان رویکردی ساختاری به متن است که امکان اتصال متن به جنبه‌های جامعه‌شناختی را فراهم می‌کند (فرقانی، ۱۳۸۲: ۶۲)؛ بنابراین، منظور ما از گفتمان در این مقاله، مجموعه مضامین، مفاهیم و مقوله‌هایی است که موضوعی واحد را در دیدگاه یک اندیشمند و یا رویکرد خاص بازگو می‌کند و طی یک فرایند کدگذاری، در سه مرحله شناسایی و

۱. علاوه براین، رهبری الهام‌بخش و بانفوذ و با اتکا به نیروهای مردمی، از هرگونه انحراف و تدرروی جلوگیری می‌کند و با استفاده از توان مردم خلأهای سیستمی که در فرایند انقلاب به وجود آمده را جبران می‌کند و اجازه آشفتنگی و نابسامانی به‌ویژه در روند معیشت جامعه را نمی‌دهد و همین موضوع به کارگزاران انقلاب اجازه می‌دهد به سرعت به تثبیت نظام بپردازند؛ ازجمله: برگزاری انتخابات، تشکیل مجلس، تصویب قانون اساسی، نظام حقوقی موردنیاز، ساماندهی نیروهای نظامی و تأمین مایحتاج عمومی.

سازمان دهی شده است؛ شامل مرحله اول: شناسایی مضامین، مرحله دوم: شناسایی مقوله‌ها، و مرحله سوم: موضوع اصلی.

۲. تعریف گفتمان انقلاب اسلامی

منظور از گفتمان انقلاب اسلامی، مجموعه مضامین، مفاهیم، مقوله‌ها و عناصر است که فرایند شکل‌گیری و استقرار ساخت انقلاب در مراحل چندگانه (شکل‌گیری جنبش، مبارزات، پیروزی، تأسیس، نهادسازی، توسعه، تعیین حدود و دامنه نفوذ) آن را بازگو می‌کند و در ارتباط با جریان بیداری اسلامی دارای دو ساحت (وجهه) است:

۱. ساحت تأسیسی: آن عبارت است از تأثیر گفتمان انقلاب در شکل‌گیری تفکر، اندیشه و حرکت‌های عمومی و فراگیر نسبت به سرنوشت جامعه و تلاش برای آگاهی‌بخشی، توسعه شناخت و مبانی فکری بیداری اسلامی و برانگیختگی در بین خبرگان، صاحب‌نظران، و مردم در کشورهای اسلامی برای ابتدای حکومت بر دین و شریعت اسلام و ایجاد حرکت‌های جنبش فکری و اجتماعی برای تغییر در ساختار رژیم‌های سیاسی و حقوقی و تفکری حاکم بر جامعه.

۲. ساحت تداومی: آن عبارت است از تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی در جذب، سازماندهی و هدایت جنبش‌های فکری و اجتماعی و اعتراضی داوطلبانه آحاد مردم و نیروهای اجتماعی، در راستای تغییرات عملی برای تحقق اهداف بیداری اسلامی و نقش‌پذیری مردم انقلاب‌گر در تداوم فرایندهای آن، شامل حضور در تجمعات اعتراضی، تحصن‌ها و تشکیل گروه‌های مبارزاتی، تهییج عمومی، تشکیل حکومت، حراست و حفاظت از دستاوردهای انقلاب، تشکیل هسته‌های مقاومت، تداوم پیروزی، آمادگی دفاع و جهاد، مهار بحران‌ها، در شرایط متنوع و متکثر بیداری اسلامی و امکان‌الگوگیری و الگوسازی براساس اصول و خصایص مشترک.

بدین‌سان، گفتمان انقلاب اسلامی، پارادایمی نظری است که تفکر، روش و راه‌حل‌های ما را در خصوص شیوه‌های تعامل و برساخت اجتماعی واقعیتی به‌نام بسیج عمومی نیروها در جریان بیداری اسلامی را تعیین می‌بخشد.

بسیج عمومی ناظر بر چگونگی ظهور و شکل‌گیری مشارکت حداکثری داوطلبانه مردم (وفاق عمومی و اجتماعی) برای تغییر نظام حاکم و ایجاد حکومت‌های مبتنی بر شریعت، حفظ و تداوم دستاورد آن تا تحقق اهداف و آرمان‌های اجتماعی است.

این تعریف از بسیج عمومی، عام است که روحیه، آمادگی، وفاق عمومی و مشارکت حداکثری داوطلبانه و خودجوش یک ملت و گروه کثیری از مردم در فرایندهای انقلاب را شامل می‌شود؛ اما درعین حال، دارای الگوی مشترکی است که کلیدواژه‌های اصلی آن را می‌توان در بسیاری از انقلاب‌ها و به‌ویژه از متن الگوی تجربه‌شده و موفق^۱ در جریان انقلاب اسلامی ایران بازپایی کرد.

تعریف عملیاتی: منظور از الگوی خاص بسیج عمومی در گفتمان انقلاب اسلامی، مجموعه مضامین، مفاهیم و مقوله‌هایی است که در قالب یک مجموعه به هم پیوسته (گره‌ها و عناصر به هم پیوسته) دیدگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (مدظله) در خصوص چگونگی و عوامل بسیج‌کنندگی مردم در جوامع انقلابی را بازگو کند که به‌گونه خاص با فرایندهای بیداری اسلامی همخوانی داشته باشد.

۳. تعریف بیداری اسلامی

تعریف مبنایی و اصلی بیداری اسلامی در این مقاله، همان تعریف مقام معظم رهبری از روند بیداری ملل اسلامی است: «بیداری اسلامی یک حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی است که درهم‌شکننده حصارهای استبداد و استکبار بوده و به تحولات و دگرگونی‌های بیرونی منجر شده است. بیداری اسلامی سخن از یک مفهوم نامشخص، مبهم و قابل تأویل و تفسیر نیست؛ بلکه این مفهوم به معنای یک واقعیت خارجی مشهود و

۱. منظور الگویی است که محتوای نظری آن را می‌توان از گفتمان رهبران انقلاب اسلامی و همچنین تجربه سازمان‌یافته آن در انقلاب اسلامی باز یافت. برای اطلاع بیشتر از این الگو می‌توان به رساله دکتری این جانب با عنوان الگوی راهبردی موفقیت گفتمان بسیج در بیداری اسلامی مراجعه کرد. بهره‌گیری از تمام توان، امکانات و نیروهای اجتماعی برای تحقق اهداف مورد نظر هر جنبش و نهضت اجتماعی را از آن فهمید و نیز معنایی خاص دارد که در ایران و در طول انقلاب به‌منزله یک فرهنگ و تفکر و حرکت اجتماعی سازمان‌یافته شناخته شده است و دارای دورویکرد تفکری و تشکیلی است.

محسوس است که فضا را انباشته و قیام‌ها و انقلاب‌های بزرگی را پدید آورده است. بیداری مبارک اسلامی با غافلگیر کردن شیاطین منطقه‌ای و جهانی، مهره‌های خطرناکی از جبهه دشمن را ساقط کرده، اما لازم است با توکل بر خدا، درس آموزی از تجربیات تاریخ معاصر جهان اسلام و تکیه بر عقل، عزم و شجاعت، صحنه‌های همچنان سیال تحولات منطقه را مدیریت کرد و به سرانجام رساند.» (امام خامنه‌ای، بیانات در نخستین اجلاس بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

زارعی (۱۳۹۲) بیداری اسلامی را از منظر امام خمینی علیه السلام این گونه بازگو می‌کند: «بازگشت به ارزش‌های اسلامی و احیای اسلام» (زارعی، ۱۳۹۲: ۲۵).

تعبیرهای امام علیه السلام، مقام معظم رهبری و بسیاری از اندیشمندان مسلمان، نظیر سید جمال‌الدین اسدآبادی و سید قطب، از بیداری اسلامی ناظر بر حالتی است که در نتیجه ورود استعمار خارجی و استبداد داخلی، یک دوره بی‌خبری و انحراف از ارزش‌ها و اصول حیات بخش اسلام در جامعه اسلامی ایجاد شده و امت اسلامی نسبت به آن آگاه شده و برخاسته‌اند.

براساس این تعریف، می‌توان روندهای زیر را برای بیداری اسلامی متصور بود:

- نهضت بیدارگری تاریخی در جهان اسلام، به مثابه یک جریان فکری و اجتماعی مداوم؛

- جنبش‌های اعتراضی و سازمان‌یافته در قالب گروه‌های اسلامی و فعال سیاسی در کشورهای اسلامی و منطقه؛

- حضور و فعالیت گروه‌های اسلام‌گرای پیشرو در جوامع اسلامی و تداوم مبارزات سیاسی و انقلابی در بستر نظام حاکم و نقش آفرینی در جبهه مقاومت و تکمیل بیداری اسلامی اصیل؛

- موج اعتراضات مردمی و حرکت‌های خیابانی سالیان اخیر، سرنگونی حکومت‌های جبار، روی کار آمدن گروه‌های اسلامی، به دست گرفتن ارکان قدرت و تشکیل حکومت؛

- رشد و بالندگی گروه‌های پیشرو، همسو و همراه گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه و

جهان اسلام، نظیر حشدالشعبی عراق، حزب الله لبنان، کمیته‌های مردمی انصارالله یمن و بسیج ملی سوریه (نیروهای دفاع وطنی).

این بیدارگری براساس خاستگاه‌ها، اهداف و گستره، دارای ابعاد مختلفی است که این ابعاد را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد:

۱. بُعد دینی-مذهبی: تأکید بر ماهیت دینی و مذهبی و اسلام خواهی جریان بیداری اسلامی به صورت عام؛
۲. بُعد سیاسی-مدیریتی: تأکید بر اهداف و شیوه‌های ایجاد حکومت اسلامی و اداره جامعه براساس وضعیت اجتماعی و بومی کشورها؛
۳. بُعد اجتماعی-فرهنگی: تأکید بر رویکرد هویت‌یابی اجتماعی و حفظ استقلال و هویت فرهنگی جوامع اسلامی؛
۴. بُعد دفاعی-امنیتی: تأکید بر حفظ کشور و جامعه در مقابل دشمن خارجی و توطئه‌های دفاعی و امنیتی.
۵. بُعد اقتصادی-توسعه‌ای: تأکید بر توسعه و پیشرفت اقتصادی و تأمین معیشتی و رفاهی در جوامع اسلامی.

۴. حفظ و تداوم بیداری اسلامی

از نظر اصطلاحی، مراد از حفظ و تداوم بیداری اسلامی مجموعه اقدامات و فعالیت‌هایی است که منجر به حفظ وضع موجود (حضور آگاهانه مردم در صحنه مبارزه) و تداوم (سازمان‌دهی و مشارکت فعالانه مردم در ادامه انقلاب) جریان بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی، در ابعاد دینی و مذهبی، سیاسی و مدیریتی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و توسعه‌ای، و دفاعی و امنیتی، تمرکز بر موارد زیر دارد:

۱. آگاهی‌بخشی عمومی و ایجاد بینش و نگرش نسبت به وضعیت نامطلوب موجود در میان ملل و کشورهای اسلامی؛
۲. برانگیختن مردم و نخبگان برای موضع‌گیری نسبت وضعیت نامطلوب موجود و تلاش برای تغییر آن؛

۳. حضور همراه با اعتراض مردم در تجمعات و گردهمایی‌های خیابانی علیه رژیم مستبد حاکم و وابسته؛
۴. سرنگونی رژیم حاکم (حذف حاکم)، ازهم پاشیده شدن ساختارها و ارکان قدرت رژیم قبلی؛
۵. حضور انقلابیون در رأس ساختارهای اجتماعی، به دست گرفتن دولت، ارتش و نهادهای قانونی؛
۶. استقرار نظام سیاسی جدید و مورد نظر خود و نظام‌سازی (وضعیت مطلوب)؛
۷. جذب، هدایت و سازماندهی حضور داوطلبانه و مشارکت مردم در صحنه‌های تثبیت، استمرار و تداوم انقلاب (مقابله با کودتا، نفوذ دشمن، حمایت از رهبران، تشکیل هسته‌ها و گروه‌های مقاومت و...)
۸. تعمیق و توسعه و کسب آمادگی و اقدام در پر کردن خلأها و پاسخ به نیازهای آنی مردم و جامعه (کنترل ناامنی، حل مشکلات، تأمین نیازهای اساسی، خدمات عمومی و...)
- تأسیس نهادهای خودجوش مردمی؛
۹. الگوی رفتاری مؤثر و متصف به ویژگی‌های انقلابی-اسلامی، متناسب با تفکر و اندیشه اسلامی در تداوم نهضت بیداری اسلامی.

۵. فرایندهای بیداری اسلامی

منظور از فرایندهای راهبردی بیداری اسلامی، مجموع مراحل و گام‌های اصلی است که طراحی و دستیابی به آن در قالب الگوی راهبردی، امکان حفظ و تداوم بیداری اسلامی را به مثابه یک امر راهبردی بر مبنای گفتمان انقلاب اسلامی فراهم می‌کند که عبارت هستند از:

- دستیابی به اصول و ارزش‌های راهبردی؛

- دستیابی به اهداف راهبردی؛

- دستیابی به راهبردهای کلان؛

- دستیابی به الزامات راهبردی؛

- دستیابی به برنامه‌های راهبردی؛

- دستیابی به اقدامات راهبردی.

۶. تحلیل گفتمان

گفتمان در تعریف، عبارت از قلمرویی از سخن گفتن درباره واقعیت‌های اجتماعی است. از رویکردهای تحلیل گفتمان دسته‌بندی‌های متفاوتی صورت گرفته است که می‌توان آن‌ها را به سه دسته کلی تقسیم کرد:

الف) رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی: این رویکرد منسوب به نورمن فرکلاف^۱ که به نقش فعال گفتمان در ساختن جهان اجتماعی تأکید دارد. موضع اصلی موردعلاقه تحلیل گفتمان انتقادی، پژوهشی درباره تغییر است و بر کاربرد زبان در تعاملات اجتماعی متمرکز است (یورگنسن، ۱۳۹۱: ۲۶). فرکلاف معتقد است گفتمان به طور مستقل و از طریق تحلیل ساختارهای یک متن قابل تحقیق نیست و در منظومه تعاملات گفتمانی و در رابطه با شرایط اجتماعی-سیاسی، قابل فهم و تحلیل است (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۱).

ب) رویکرد تحلیل گفتمان پسا ساختارگرایی: این رویکرد منسوب به ارنستو لاکلو و شانتال موفه^۲ است که نظریه خود را از تلفیق، حک و اصلاح دو نظریه مارکسیسم و ساختارگرایی، درباره امر اجتماعی و معنا بنیان نهادند. براساس نظریه لاکلو و موفه، کل حوزه اجتماعی شبکه‌ای از فرایندها به شمار می‌رود که معنا درون آن خلق می‌شود و بر این باورند که گفتمان، جهان اجتماعی را در قالب معنا برمی‌سازد و از آنجاکه زبان به نحوی بنیادین، بی‌ثبات است، معنی به هیچ‌وجه نمی‌تواند برای همیشه ثابت بماند. این دو، برخلاف فرکلاف که صرفاً به امر تغییر می‌پردازد، به مسئله ثبات و تغییر، هم‌زمان توجه دارند.

ج) رویکرد روانشناسی گفتمانی: این رویکرد که منسوب به جاناتان پاتر و مارگارت وتزل^۳ است، بر نمونه‌های خاصی از کاربرد زبان در تعاملات اجتماعی متمرکز است و هدف آن، تحلیل تغییرات گفتمان‌های فراگیر جامعه _ که کاربر انضمامی زبان می‌تواند به بار بیاورد _ نیست؛ بلکه مطالعه در این باره است که افراد چگونه گفتمان‌های در دسترس را با

1. Fairclough, N

2. Laclau, E. and Mouffe, C

3. Potter, J. and Wetherell, M

انعطاف به کار می‌گیرند تا از طریق گفت‌وگو در حین تعامل بازنمایی‌ها، جهان و هویت‌ها را خلق کرده، درباره آن‌ها به توافق برسند؛ درعین حال، پیامدهای اجتماعی این امر را نیز مطالعه می‌کند و به شکل‌گیری خویشتن و احساسات افراد و تحول آن‌ها در طول تعاملات اجتماعی کمک می‌کند و نقش این فرایند را در تغییر و بازتولید فرهنگی-اجتماعی نشان می‌دهد.

۷. گزینش رویکرد

هر سه رویکرد فوق، به‌نوعی به گفتمان به‌منزله یک برساخت اجتماعی می‌نگرند. در این سه رویکرد، گفتمان (پرکتیس گفتمانی) یک پرکتیس اجتماعی است که به جهان اجتماعی شکل می‌بخشد (یورگنسن، ۱۳۹۱: ۴۴). تحلیل گفتمانی فرکلاف، مفهوم گفتمان را برای متن، گفت‌وگو و سایر نظام‌های معنایی^۱ به‌کار می‌برد و گفتمان را از سایر ابعاد پرکتیس‌های اجتماعی جدا نگه می‌دارد. یک پرکتیس گفتمانی یکی از جنبه‌ها یا بُعد^۲ هر پرکتیس اجتماعی است. علاوه براین، گفتمان لاکلو و موفه بیشتر گفتمانی انتزاعی تر و غیرشخصی شده است و به الگوی عام و فراگیر توجه دارد که در یک قلمرو اجتماعی مشخص در جامعه جریان دارد؛ گفتمان سازنده است نه ساخته‌شده.

نقطه شروع رویکردهای تحلیل گفتمان، همان ادعای فلسفه زبانی ساختارگرا و پس‌ساختارگراها است؛ یعنی دسترسی ما به واقعیت همواره از طریق زبان است. ما به کمک زبان، بازنمایی‌هایی از واقعیت خلق می‌کنیم که به هیچ‌وجه بازتابی از یک واقعیت از پیش موجود نیستند، در حقیقت زبان در برساختن واقعیت نقش دارد (یورگنسن، ۱۳۹۱: ۲۹).

همچنین دوسوسور^۳ در بحث زبان‌شناسی خود با تفکیک نشانه‌ها به دال (فرم) و مدلول (محتوا)، رابطه دال و مدلول را قراردادی و نه ذاتی می‌داند و زبان را به دو سطح گفتار^۴ و دستگاه زبان تفکیک می‌کند. دستگاه زبان ساختار زبان است، شبکه‌ای از نشانه‌ها که

-
1. Semiological systems
 2. moment
 3. dsausseyre
 4. parile

به یکدیگر معنا می‌بخشد و ثابت و تغییرناپذیرند. در مقابل، گفتار کاربرد زبان در یک موقعیت خاص است و پدیده‌ای اتفاقی تلقی می‌شود.

بدین سان، ساختارگراها با نقد ثبات و تغییرناپذیری نشانه‌ها، قائل به پویایی و تغییر در معنای نشانه‌ها هستند و همین موضوع باعث می‌شود تا پس‌اساختارگراها بتوانند تغییر را در رویکرد خود وارد کنند. علاوه بر این، پس‌اساختارگراها قائل به معنادار بودن گفتار هستند و در نقد ساختارگرایی معتقد هستند که در کاربرد انضمامی زبان است که ساختار خلق، بازتولید و متحول می‌شود. افراد نیز در گفتار و نوشتار به ساختار متوسل می‌شوند (یورگنسن، ۱۳۹۱: ۳۴).

با توجه به تناسب بیشتر رویکرد گفتمان لاکلو و موفه با ماهیت و رویکرد بسیج، از منظر سازنده بودن، انتزاعی‌تر و توجه به جنبه‌های ثبات و تغییر به طور هم‌زمان و پیوستگی ابعاد و مؤلفه‌های گفتمان در یک پرکتیس اجتماعی و گفتمانی و امکان طرد مؤلفه‌های غیر گفتمانی، در این نوشتار برای تحلیل گفتمان بسیج از رویکرد لاکلو و موفه استفاده می‌شود.

مهم‌ترین ویژگی رویکرد لاکلو و موفه که مزیت آن نسبت به رویکرد تحلیل انتقادی و روانشناسی محسوب می‌شود، عبارت از سه نکته است:

۱. گفتمان نقش سازنده دارد و یک جریان دامنه‌دار است و صرفاً ساخته و خلق نشده است که محدود باشد؛

۲. گفتمان بیشتر انتزاعی است و به موضوعات نظری و غیرشخصی شده می‌پردازد تا روزمره.

۳. گفتمان هم به ثبات می‌پردازد و هم به تغییر.

مطابق این رویکرد، تحلیل‌گر مجبور است با آنچه در عمل گفته یا نوشته شده سروکار داشته باشد و الگوهای موجود در یک گزاره یا گزاره‌های مختلف را بررسی و پیامدهای اجتماعی بازنمایی‌های گفتمان مختلف از واقعیت را مشخص کند.

۸. نظریه گفتمان لاکلو و موفه

هدف نظریه گفتمان، فهم امر اجتماعی است؛ به مثابه برساختی اجتماعی (یورگنسن، ۱۳۹۱: ۵۳). لاکلو و موف دو سنت ساختارگرایی و مارکسیسم را در قالب یک نظریه

پساساختارگرایی تلفیق کردند. مطابق این رویکرد، تفاوت و تمایزی میان ابعاد گفتمان و غیرگفتمانی امر اجتماعی وجود ندارد. تمامی پرکتیس‌ها (اعمال و تجربیات) گفتمانی‌اند و همه پدیده‌ها (نهاده‌ها، اقتصاد و...) جزئی از گفتمان هستند و گفتمان سراسر جهان ما را می‌سازد.^۱

لاکلو و موف برای درک معنا و چگونگی تفاوت و دگرگونی معانی در گفتمان‌ها، می‌نویسند: «ما مفصل‌بندی^۲ را هرگونه عملی به‌شمار خواهیم آورد که رابطه‌ای را میان مؤلفه‌ها تثبیت می‌کند؛ به نحوی که هویتشان در نتیجه عمل مفصل‌بندی دستخوش تغییر شود. آن کلیت ساختاریافته ناشی از عمل مفصل‌بندی را گفتمان خواهیم خواند. مؤلفه مبتنی بر تفاوت را تازمانی که در قالب یک گفتمان مفصل‌بندی شده باشند، بُعد^۳ خواهیم نامید. در مقابل، هر تفاوتی را که به‌شکل گفتمانی مفصل‌بندی نشده باشد، عنصر^۴ نام خواهیم نهاد (لاکلو و موف، ۱۹۵۸: ۱۱۱).

مطابق این تعریف، گفتمان بسیج شبکه‌ای از معنای به هم مرتبط را حول قلمرو نظام اسلامی، مردم و انقلاب به وجود می‌آورد؛ به این معنا می‌توانیم از یک گفتمان صحبت کنیم که در آن، تمامی نشانه‌ها ابعاد یک نظام هستند و معنای هر نشانه را رابطه آن با دیگر نشانه‌ها تعیین می‌کند. همچنین گفتمان را ثبت معنا درون یک قلمرو خاص تعریف کرده‌اند که تمامی نشانه‌ها بُعد هستند. یک گفتمان از طریق ثبت نسبی معنا، حول گره‌های خاصی شکل می‌گیرد. گره‌گاه‌ها^۵ نشانه ممتازی است که سایر نشانه‌ها حول آن منظم می‌شوند و سایر نشانه‌ها معنای خود را از رابطه‌شان با گره‌گاه‌ها اخذ می‌کنند (لاکلو و موف، ۱۹۵۸: ۱۱۲).

۱. پدیده جهانی کرونا و گسترش دامنه آن به تمامی حوزه‌های زیست اجتماعی (درگیر شدن کل جامعه با پیامدهای آن) نشان داد که حتی یک پدیده بهداشتی وقتی کنشگران زیادی را به خود مشغول می‌کند، به یک امر اجتماعی تبدیل می‌شود و ظرفیت تولید شبکه‌ای از معانی و مفاهیم را چون یک گفتمان پیدا می‌کند.

2. Articulation
3. moment
4. element
5. nodal points

مطابق این رویکرد می‌توان گفت که انقلاب، مردم، دفاع و نظام اسلامی، گره‌گاه‌ها در گفتمان بسیج هستند.

گفتمان کلیتی است که در آن هر نشانه‌ای در قالب یک بُعد، به واسطه رابطه‌اش با سایر نشانه‌ها ثبت شده است. این عمل از طریق طرد تمامی معناهایی که نشانه می‌توانست داشته باشد، انجام می‌گیرد؛ یعنی دیگر روابطی که ممکن است نشانه با یکدیگر داشته باشند. براساس نظریه لاکلو و موف، بسیج به‌تنهایی و خودی خود چیزی زیادی نمی‌گوید، بلکه باید در رابطه با سایر مؤلفه‌ها قرار بگیرد تا معنا دهد. این امر در طول عمل مفصل‌بندی رخ می‌دهد و مفصل‌بندی هر عملی است که چنان رابطه میان عناصر را برقرار می‌کند که هویتشان تغییر می‌کند؛ به‌طورمثال، بدن و روح بدن را در یک گفتمان مذهبی قرار می‌دهد. براساس این تعریف، وقتی از گفتمان بسیج صحبت می‌شود دیگر نمی‌توانیم از حزب، گروه و اقلیت‌ها و نگرش انحصاری حرف بزنیم؛ هرآنچه به عمومیت و فراگیری این معنا کمک می‌کند، جزء گفتمان است.

گره‌گاه‌ها نشانه‌های متمایزی هستند که یک گفتمان حول آن‌ها سازمان پیدا می‌کند؛ اما این نشانه‌ها به‌خودی‌خود محتوایی ندارند (یورگنسن، ۱۳۹۱: ۶۰؛ لاکلو، ۱۹۹۰: ۲۸). در نظریه گفتمان، آن عناصری را که به روی انتصاب معانی گوناگون باز هستند دال‌های سیال^۱ می‌نامند. دال‌های سیال نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند به‌روش خاص خودشان، به آن‌ها معنا ببخشند. گره‌گاه‌ها دال‌های سیال‌اند؛ اما گره‌گاه به نقطه بلورینه‌شده^۲ درون یک گفتمان خاص اطلاق می‌شود (یورگنسن، ۱۳۹۱: ۶۰). ابعاد در گفتمان عبارت است از نشانه‌هایی که به‌طور نسبی تثبیت شده‌اند و معنای موردتوافق دارند (یورگنسن، ۱۳۹۱: ۶۲).

عمل مفصل‌بندی، پیوسته گفتمان را بازتولید می‌کنند، به چالش می‌کشند و تغییر می‌دهند؛ بنابراین، گفتمان کلیتی است که در آن هر نشانه‌ای در قالب یک بُعد، به‌واسطه

1. Floating signifiers

2. crystallisation

رابطه‌اش با سایر نشانه‌ها، درست مانند گره‌های تور ماهیگیری تثبیت شده است (یورگنسن، ۱۳۹۱: ۵۷).

در نظریه گفتمان به آن دسته از گفتمان‌هایی که چنان محکم تثبیت شده‌اند که تصادفی بودنشان فراموش شده، گفتمان‌های عینی گفته می‌شود (لاکلو، ۱۹۹۰: ۳۴).

براساس نظریه تحلیل گفتمان لاکلو و موف، نشانه‌ها در قالب رابطه‌شان با یکدیگر ساختار بندی شده‌اند؛ اما این ساختار هرگز کلیتی تام و تمام^۱ نخواهد بود. گفتمان‌ها همواره و صرفاً معنایی بوده و هستند که به طور محدود و موقت در قلمروی که به نحوی بنیادین تصمیم‌ناپذیر است، ثبت شده‌اند (یورگنسن، ۱۳۹۱: ۷۶).

گره‌گاه‌ها در نظریه لاکلو و موف، همان دال‌های اصلی^۲ در نظریه لاکان هستند. برای مثال، هویت مرد_به‌منزله یک گره‌گاه اصلی_ با قدرت، عقل و فوتبال، در مقابل هویت زن_به‌مثابه دال اصلی_ با صبر، تحمل و پخت‌وپز شناخته می‌شود. معنا بخشیدن به یک دال اصلی از طریق پیوند دادن دال‌ها در قالب زنجیره‌های هم‌ارزی انجام می‌گیرد که هویت را براساس نسبتش با دیگران ایجاد می‌کند (لاکلو و موف، ۱۹۸۵: ۱۲۷).

۹. کاربرد نظریه گفتمان در عمل

گره‌گاه، دال اصلی و افسانه‌ها که می‌توان مجموعه آن‌ها را دال‌های کلیدی در سازمان‌دهی گفتمان نامید. مفهوم زنجیره‌های هم‌ارزی که به معنا بخشیدن به دال‌های کلیدی اشاره دارد. مفاهیم مربوط به هویت، گروه‌بندی هویت و نمایندگی و مفاهیم مربوط به تحلیل کشمکش‌ها، دال‌های سیال، تخصیص و هژمونی.

۱۰. زایش مفهومی و واژگانی در گفتمان انقلاب اسلامی

با مروری بر فهرست واژگان اساسی گفتمان انقلاب اسلامی، متوجه می‌شویم زایش نوبه‌نوی این مفاهیم و اصطلاحات، از جمله آزادی، استقلال، عدالت، حکومت اسلامی، مردم‌سالاری دینی، الگوی اسلامی-ایرانی، تمدن اسلامی، اقتصاد مقاومتی، جبهه مقاومت

1. finished totality

2. master signifiers

و بیداری اسلامی، به طور روزافزون ظرفیت‌های جدیدی را برای اندیشیدن در ساحات مختلف گفتمان انقلاب اسلامی فراهم کرده‌اند و افق معنایی جدیدی را پیش روی متفکران انقلاب اسلامی قرار داده‌اند.

نکته مهم و قابل توجه در این زمینه آن است که اکثر این واژگان از سوی فرمانده (رهبر و ولی فقیه)، امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای، تولید، بازتولید و یا طرح گفتمانی شده‌اند؛ به عبارت دیگر، باید پرچم‌دار نظریه‌پردازی و واژه‌سازی گفتمان انقلاب اسلامی را ولی فقیه دانست. خود رهبری نیز بارها بر این نکته تأکید داشته‌اند که یکی از دغدغه‌های مهم ولی فقیه و دغدغه گفتمانی او حفاظت از ارزش‌های اساسی انقلاب اسلامی است. برخی از وجوه گفتمان‌سازی ذیل ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری، در مناسبت‌های مختلف این‌گونه مطرح شده است: «بنده وقتی مسئله نهضت نرم‌افزاری را خواستم مطرح کنم، قبل از همه توی دانشگاه با دانشجویها مطرح کردم؛ اول بار در دانشگاه امیرکبیر این فکر را به میان آوردم. امروز شما ببینید این یک گفتمان است، یک مطالبه عمومی است، یک خواست همه دانشگاه‌های کشور است؛ که من هر جا هم می‌روم، از زبان دانشجوی مطالبه آن را می‌شنوم؛ از زبان استاد و مدیر، اجرایش را در یک مرحله دیگر می‌شنوم، و اجرا هم دارد می‌شود.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دانشگاه شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴).

«هم در زمینه مسائل نظریه‌پردازی، کارهای مهمی ان‌شاءالله انجام خواهد گرفت، هم در زمینه گفتمان‌سازی، و هم در زمینه نزدیک کردن این گفتمان به اجرا؛ که البته اگر به صورت گفتمان درآمد... گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفسش می‌کنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. باید این گفتمان‌سازی انجام بگیرد؛ که البته نقش رسانه‌ها و بخصوص نقش روحانیون و نقش بزرگان و اساتید دانشگاهی حتماً نقش بارز و مهمی است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

«یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که براساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی واژه‌سازی بشود، هم

بایستی نهادسازی بشود... وقتی یک انقلاب و یک حرکت تحقق پیدا می‌کند، بایستی دستگاه‌های مجری خود را - آن مجموعه‌هایی که آن هدف‌ها را باید دنبال کنند - به وجود بیاورد؛ یکی از کارها این است که دستگاه‌های موجود جامعه را متحول کند؛ یکی دیگر این است که دستگاه متناسب با خواست خود را به وجود بیاورد.» (امام‌خامنه‌ای، بیانات در دیدار بسیجیان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۲).

بدین ترتیب، گفتمان بازنمایی رویکرد فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، در قالب واژگان زبانی است. زبان لازمه درک و فهم معانی و مقاصد و روابط و مظهر والای خرد تاریخی صاحبان آن است (داوری، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

در سیر تحول و تکامل گفتمان انقلاب اسلامی، در گام اول می‌توان ده فضای گفتمانی را برای آن بازشناسی کرد - که به مثابه گره‌گاه‌ها برای تبیین منظومه گفتمانی انقلاب اسلامی حرکت به سوی تمدن‌سازی در حوزه نفوذ تمدن اسلامی (دوستان تمدنی) را تشکیل می‌دهد - که می‌تواند نسبت و قرابت الگویی با بیداری اسلامی داشته باشد:

۱. گفتمان سرنوشت و استبدادستیزی و مردم‌سالاری؛

۲. گفتمان مبارزه و جهاد؛

۳. گفتمان آزادی و برابری؛

۴. گفتمان استقلال و نفی وابستگی؛

۵. گفتمان عدالت و قانون‌مداری؛

۶. گفتمان پیشرفت و کارآمدی؛

۷. گفتمان معنویت و دینداری؛

۸. گفتمان معیشت و سبک زندگی؛

۹. گفتمان وحدت و انسجام

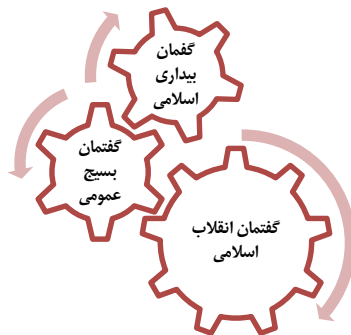
۱۰. گفتمان بسیج عمومی و دفاع همه‌جانبه.

این فضای گفتمانی، مقدمات و فرضیه‌های بنیادین در طراحی فرایندهای تمدن‌سازی است که لازم است در ادامه و تکامل فرایندهای تمدن‌پروری و تمدن‌داری در قالب الگویی

بومی و اسلامی تبیین شود و جایگاه انقلاب اسلامی را در نقش‌آم‌القرای جهان اسلام، در پیوند با بیداری اسلامی تبیین کند.

فرض بنیادین در این پیوند و ارتباط این است که پیرامون انقلاب اسلامی تحولاتی رخ داده و یا خواهد داد که با انقلاب ایران منجر به آن تحول همسو شده است و یا الگوهای موجود درصدد هستند در نسبت با انقلاب اسلامی خود را در معادلات آینده جهان تعریف کنند. در هر دو حالت، این تحولات به حوزه نفوذ تمدنی انقلاب اسلامی مربوط می‌شود و انقلاب باید بستر مناسب و لازم را برای نقش‌آفرینی تمدنی فراهم آورد.

یکی از مهم‌ترین فضاهای گفتمانی که می‌تواند به‌مثابه تسهیل‌گر^۱ بین گفتمان انقلاب اسلامی و جریان بیداری اسلامی عمل کند، گفتمان بسیج عمومی است. گفتمان بسیج عمومی در واقع مصدر استیصال و بلوغ مفهومی واژگانی است که جریان بیداری اسلامی برای موفقیت به آن نیاز دارد و کامل می‌شود. برهمن قاعده، با رویکرد تحلیل گفتمان به این موضوع تأکید و تمرکز می‌شود.

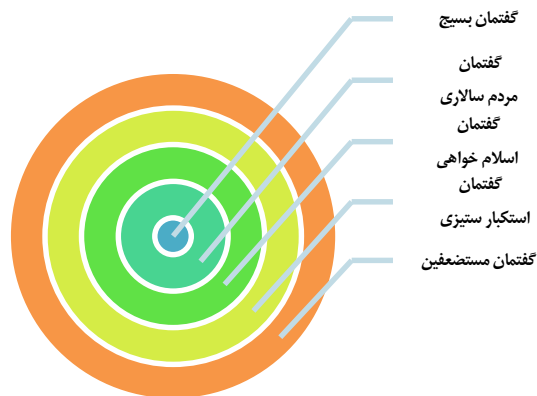


شکل ۱: نسبت تعاملی گفتمان انقلاب اسلامی، بسیج و بیداری اسلامی
(منبع: یافته‌های پژوهش)

براساس رویکرد پساساختارگرایی لاکلو و موفه، گفتمان نظری بسیج (بیانات، رهنمودها، توصیه‌ها و راهبردها، ارزیابی‌ها و فرمان‌های امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (مدظله) در باب بسیج) در قالب مجموعه گره‌گاه‌ها (دال‌های اصلی و یا کلیدی) در قالب بُعد، و نیز در

ارتباط با مضامین و مفاهیم هم‌ارز و دال‌های سیال در قالب مقوله‌ها و معرف‌ها (شاخص)، بازنمایی و دسته‌بندی می‌شود.

همچنین مطابق نظر فرکلاف در رابطه با فهم گفتمان در تعاملات گفتمانی، در شرایط اجتماعی-سیاسی گفتمان انقلاب اسلامی، موضوعاتی از قبیل اسلام خواهی، استکبارستیزی، مستضعفین و مردم‌سالاری، به‌منزله میدان گفتمان بسیج، متصور است و گفتمان بسیج برساختی از مشارکت و نقش‌آفرینی داوطلبانه و سازمان‌یافته مردم در تحقق آن گفتمان کلان‌تر است. این فضای گفتمان را می‌توان به‌صورت زیر تصویر و ترسیم کرد.



شکل ۲: فضای گفتمان بسیج در بستر گفتمان انقلاب اسلامی
(منبع: یافته‌های پژوهش)

براساس این مدل، فهم گفتمان بسیج، بدون درک گفتمان کلان و فضای گفتمانی ناشی از انقلاب اسلامی یا ممکن نیست و یا کامل نیست؛ ازاین‌رو، در طول تحلیل و تعیین دال‌های اصلی و مضامین و مفاهیم به‌کارگرفته‌شده در ارتباط با هر دال اصلی خواهیم دید که پیوند زیادی بین مفاهیم به‌کارگرفته‌شده در تبیین گفتمان بسیج و سایر مفاهیم گفتمان وجود دارد. این پیوند به‌قدری روشن است که می‌توان ادعا کرد، گفتمان بسیج همان گفتمان انقلاب اسلامی است و گفتمان انقلاب اسلامی، همان گفتمان بسیج است. به‌ویژه زمانی‌که موضوع ارتباط گفتمان بسیج با کنش‌های بیداری اسلامی، به‌منزله یک جنبش انقلابی، مطرح است، با تحلیل گفتمان بسیج و تعیین گره‌گاه‌ها و دال‌های اصلی و مجموعه مفاهیم و

مضامین هم ارز آن، می‌توان مسیر را برای تحلیل موفقیت الگوی راهبردی گفتمان بسیج در حفظ و تداوم بیداری اسلامی، به‌مثابه راهبرد انقلاب اسلامی در متن بیداری اسلامی، فراهم کرد؛ بنابراین، منظور از موفقیت، حفظ و تداوم جریان بیداری اسلامی در بین ملل اسلامی و ایجاد یک فضای کنش_دال‌های کلیدی و مجموعه مفاهیم هم‌ارزی که فضای کلی گفتمان را شکل می‌دهد_ است.

موفقیت از مصدر موفق به معنی توفیق‌یافته، کامروا، بهره‌مند آمده است (عمید، ۱۳۶۳: ۱۱۳۴) و موفقیت ناظر بر حفظ و تداوم بیداری اسلامی در قالب کنش‌های معنی‌دار است. کنش در لغت به معنی کار و کردار است (عمید، ۱۳۶۳: ۹۸۸)؛ یعنی مجموعه کنش‌هایی که محور گره‌گاه‌ها و دال‌های اصلی گفتمان بسیج را شکل می‌دهد؛ پس موفقیت شامل مجموعه کار و کردارهایی است که توفیق در آن حاصل شده و کامروایی در آن نصیب کنشگر شده باشد.

۱۱. گره‌گاه‌ها، مفاهیم و مضامین گفتمان بسیج

۱. دین به منزله یک گره‌گاه و دال اصلی با مدلول‌هایی از قبیل مکتب، ایدئولوژی، اعتقادات، قرآن، خدا، پیامبر، ائمه، توکل و اتصال الهی، معنویت، دین‌داری، روحانیت، مسجد، آرمان‌گرایی، ولایت، مهدویت و عاشورا به‌کاررفته است.
۲. فرهنگ در نقش یک دال اصلی با مفاهیمی نظیر ارزش‌های انسانی، الهی، اخلاق، جهاد، مقاومت، شهادت، ایثارگری، فداکاری، صداقت، عدالت، اخلاص و جانبازی در ارتباط است.
۳. سیاست و مدیریت نظیر یک گره‌گاه اصلی با مضامین و مفاهیمی همچون تشکیل حکومت، مسئولیت، مشارکت، کارآمدی، رهبری، اقتدار، حضور، هوشیاری سیاسی، مبارزه و دشمن‌ستیزی در ارتباط قرار می‌گیرد.
۴. انقلاب همچون یک گره‌گاه با مضامین و مفاهیم هم‌ارزی مانند معجزه انقلاب، مولود انقلاب، ایجاد انقلاب، برکات انقلاب، حفظ انقلاب، پایداری، هویت انقلابی، ارزش‌های انقلاب و حراست معنی می‌یابد.

۵. تفکر چون یک گره‌گاه با مجموعه‌نشانه‌های مرتبط باهم، شامل اندیشه، عقل، فکر، علم، معرفت، شناخت، بصیرت و هوشیاری، معنی‌دار می‌شود.
۶. تشکل به منزله یک گره‌گاه با مجموعه مفاهیم هم‌ارزی همانند سازماندهی، سازمان، نهاد، ساختار، رهبری، سپاه، فرماندهی، مدیریت، جذب، آموزش، انسجام، به‌کارگیری، گروه، هسته‌های مقاومت، دسته، نظم، انضباط، قوانین و مقررات در ارتباط قرار می‌گیرد.
۷. مردم در جایگاه یک دال اصلی با مفاهیم هم‌ارزی چون ملت، ملی، توده مردم، اقشار اجتماعی، گروه‌های سنی، قومیت‌ها، بومی، روستایی، عشایر، دانشجو، دانش‌آموز، زن، مرد و جوانان در ارتباط است.
۸. آمادگی به‌مثابه یک گره‌گاه با مجموعه هم‌ارزی از مفاهیم، نظیر آمادگی رزمی، معنوی، علمی، فرهنگی، روحی و جسمی، در ارتباط قرار می‌گیرد.
۹. دفاع همچون یک دال کلیدی و گره‌گاه با زنجیره هم‌ارزی از مفاهیم، مانند دفاع از انقلاب، سرزمین، کشور، دین، جامعه، مردم، نهادها، مسلمانان و مستضعفین، معنی پیدا می‌کند.
۱۰. امنیت نظیر یک دال اصلی و گره‌گاه با زنجیره‌ای از مفاهیم هم‌ارزی مثل امنیت داخلی، امنیت شهرها، رصد امنیتی و فعالیت اطلاعاتی و تأمین امنیت مرتبط است.
۱۱. دشمن در نقش یک گره‌گاه با مجموعه مفاهیم و دال‌های سیال، شامل دشمن داخلی، خارجی، استکبار، شیطان، امریکا، اسرائیل، ضدانقلاب، نفوذ، تهاجم، اغتشاش، توطئه و فتنه، تعریف می‌شود.
۱۲. استکبار چون یک گره‌گاه با مجموعه مفاهیم هم‌ارز، همانند نظام سلطه، کشورهای سلطه‌گر، امریکا، کشورهای غارتگر، نفوذ و فتنه‌گر، مرتبط می‌شود.
۱۳. نقش آفرینی به منزله یک گره‌گاه با مجموعه مفاهیمی از قبیل دفاعی، نظامی، فرهنگی، علمی، سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، همه‌جانبه، سازندگی، محرومیت، آبادانی، خدمات، توسعه، پیشرفت و امنیت مرتبط می‌گردد.
۱۴. جامعه در جایگاه یک دال اصلی در ارتباط با مضامین و مفاهیم هم‌ارز، شامل دولت،

حاکمیت، مردم‌سالاری، نهادها، ارکان، نیروها، دانشگاه، مدرسه و بازار، قرار می‌گیرد.

۱۵. جوانان در نقش یک دال اصلی در ارتباط با مضامین و مفاهیم هم‌ارز، همچون شور، نشاط، آمادگی، روحیه، خلاقیت و دین‌داری، قرار می‌گیرد.

۱۶. جهان اسلام به مثابه یک گره‌گاه اصلی با مفاهیم و مؤلفه‌هایی از قبیل امت اسلامی، کشورهای اسلامی، سرنوشت، هسته‌های مقاومت، فلسطین، بلاد اسلامی و حکام اسلامی در ارتباط قرار دارد.

۱۷. مستضعفین همچون یک دال اصلی با مفاهیم و مضامینی مانند محرومین، مردم ستم‌دیده و مظلوم، و ملت‌های دربند و استعمار زده مرتبط می‌گردد.

انجام تحلیل گفتمان بسیج مستلزم سازماندهی محتوا و متن‌های مرتبط با گفتمان بسیج (گفتمان امام و رهبری) است؛ از این رو، با مراجعه به آثار و اندیشه‌های این دو رهبر عظیم‌الشان درباره بسیج، مدل مفهومی بسیج در دیدگاه آنان استخراج شده است.

۱۲. روش‌شناسی

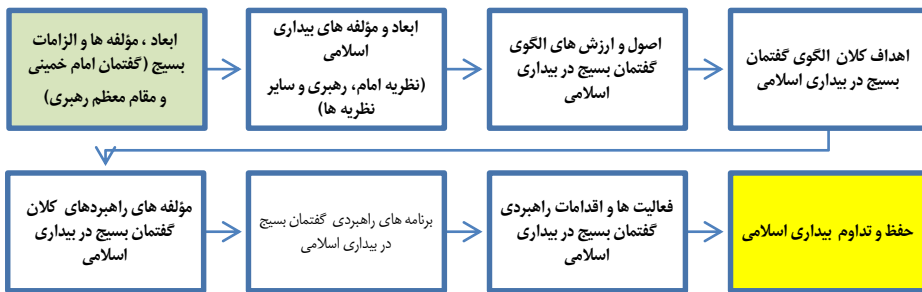
این مقاله به روش کلی تحلیل گفتمان و با استناد به یافته‌های روش ترکیبی (تحلیل محتوای کیفی و پرسشنامه خبرگان کلیدی) در استنباط و استخراج مدل راهبردی نقش گفتمان بسیج در بیداری اسلامی، براساس یافته‌های تحقیق عبدالملکی و همکاران (۱۳۹۶)^۱ انجام شده است؛ بنابراین، نوعی تحقیق ثانویه نیز محسوب می‌شود.

مطابق این روش، برای استخراج ابعاد و مؤلفه اصلی، مدل فرایند زیر طی شده است. منظور از الگوی راهبردی گفتمان بسیج، الگویی مشتمل بر مجموعه ابعاد، مؤلفه‌ها، الزامات، عوامل و روابط درونی آن‌ها و عوامل مؤثر در فرایند بسیج‌کنندگی آحاد مردم و نخبگان برای حفظ و تداوم جریان بیداری اسلامی است که تجربه عینی آن در ایران در مراحل مختلف آغاز انقلاب (مبارزات، سرنگونی رژیم و پیروزی)، حفظ انقلاب (حراست و پاسداری از دستاوردها) و تداوم انقلاب (تحکیم، تعمیق و توسعه) به وقوع پیوسته و مؤثر

۱. عنوان رساله دکتری با عنوان «طراحی الگوی راهبردی گفتمان بسیج برای حفظ و تداوم بیداری اسلامی» در منطقه و جهان اسلام. رشته آینده‌پژوهی دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده مدیریت راهبردی، تیرماه ۱۳۹۶.

بوده است؛ الگویی راهبردی و کلان برای موفقیت بیداری اسلامی در این مقطع از تاریخ جهان اسلام و کشورهای هدف.

طراحی الگویی راهبردی از گفتمان بسیج، یک اقدام راهبردی و مبتنی بر سطحی از تفکر راهبردی است که به دنبال تصمیم‌سازی راهبردی برای آینده است؛ الگویی که می‌تواند ساحت بیداری اسلامی را با رویکرد هنجاری ایرانی-اسلامی هموار سازد و گسترش دهد. این طراحی با استناد به روش خبرگی و اخذ دیدگاه مطلعین کلیدی فعال در حوزه بیداری اسلامی و بسیج، با رویکرد تجویزی در فرایند زیر پیگیری شده است:



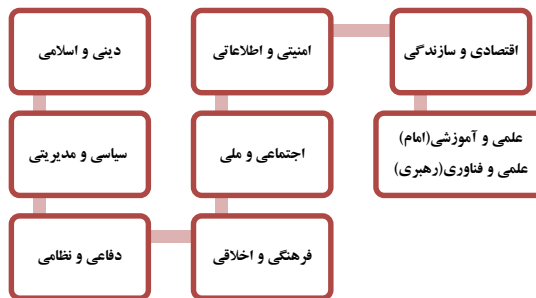
شکل ۳: فرایند ارائه الگوی راهبردی گفتمان بسیج در حفظ و تداوم بیداری اسلامی
(منبع: یافته‌های پژوهش)

مطابق فرایند روشی فوق، بعد از تحلیل محتوای بیانات امامین انقلاب درباره بسیج و بیداری اسلامی، ابعاد و مؤلفه‌های اصلی الگوی مفهومی رابطه گفتمان بسیج با بیداری اسلامی استخراج و سپس از طریق پیمایش خبرگان، کلید رابطه و الگوی کنشی و تأثیر مؤلفه‌های گفتمان بسیج بر موفقیت و تداوم بیداری اسلامی، تبیین و تحلیل شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که گفتمان بسیج عمومی و الگوی تجربه‌شده این گفتمان در ایران، می‌تواند در سطح راهبردی برای حفظ و تداوم بیداری اسلامی در منطقه مؤثر باشد. برخی از نتایج این پژوهش کلان متناسب با اهداف این مقاله در ادامه ارائه می‌شود.

۱۳. بحث و تحلیل

هشت بُعد یا گره‌گاه اصلی گفتمان بسیج امام خمینی علیه السلام با ۳۳ مقوله و مؤلفه، و ۸۶ مضمون

هم‌ارز با ۳۶۹ شاخص قابل تکرار در یک پیوستار، دامنه کنشگری کلیت نظریه بسیج را از سطح نظری (سطح تفکر راهبردی، اهداف راهبردی و راهبردهای کلان) تا سطح عملی (برنامه‌های راهبردی و اقدامات راهبردی) در عرصه‌های مختلف تشکیل می‌دهند. همچنین هشت بُعد کلان یا گره‌گاه با ۳۴ مؤلفه، ۵۷ مقوله و ۴۱۶ معرف و مضمون تکرارشونده، گفتمان بسیج مقام معظم رهبری (مدظله) را سازمان می‌دهند. گره‌گاه‌ها در پیوستاری به‌هم‌پیوسته مجموعه مفاهیم و مضامینی را دربرمی‌گیرد که کلیتی منسجم از تفکر و تشکل بسیج را از دیدگاه مقام معظم رهبری، از سطح تفکر راهبردی تا اقدامات راهبردی نشان می‌دهد.



شکل ۴: ابعاد گفتمان بسیج؛ الگوی تجربه‌شده انقلاب اسلامی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

ابعاد هشت‌گانه گفتمان بسیج (گفتمان امام و رهبری) با ۷۸۵ مضمون و مفهوم هم‌ارز، علی‌رغم شباهت‌ها و تأکیدهای همسان در ابعاد و مقوله‌های تبیین‌گر بسیج، نوعی نگاه عمومی‌تر (بسیج دفاعی و اجتماعی) در گفتمان امام علیه‌السلام و نگاه خاص (بسیج سازمان‌یافته و تشکلی) را در گفتمان رهبری نشان می‌دهد.

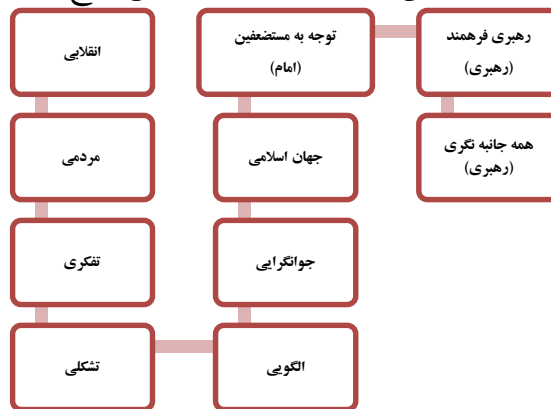
این گفتمان با ابعاد هشت‌گانه، با ابعاد پنج‌گانه بیداری اسلامی - که متناسب با نیازهای درونی جامعه اسلامی برای تحول عمیق و راهبردی است - در ابعاد و سطوح زیر می‌تواند ارتباط پیدا کند:

۱. بعد دینی-مذهبی: با تأکید بر اسلام‌خواهی و تجدید حیات دینی در جامعه اسلامی، عدم جدایی دین و سیاست و مرجعیت دینی و سیاسی رهبران مذهبی در جامعه و اجرای احکام و شعائر اسلامی؛

۲. **بعد سیاسی-مدیریتی:** با تأکید بر ایجاد جنبش‌های اجتماعی فراگیر، استقرار حکومت دینی، مردم‌سالاری دینی، حضور و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود، نفی استبداد داخلی و وابستگی خارجی؛
 ۳. **بعد اجتماعی-فرهنگی:** با تأکید بر هویت‌یابی اسلامی، استقلال، آزادی، عدالت، توسعه و پیشرفت اجتماعی و جایگزینی الگوهای بومی از نهادهای مدنی و قانونی، وحدت جامعه و امت اسلامی و نیز رویکرد فرهنگی با تأکید بر اصالت فرهنگ اسلامی، گرایش و نگرش‌های اسلامی، اخلاق و آرمان‌گرایی و نفی الگوهای فرهنگ غربی؛
 ۴. **بعد اقتصادی-توسعه‌یافتگی:** با تأکید بر الگوی توسعه، پیشرفت و رفاه مبتنی بر ظرفیت‌های بومی و توسعه مستقل و نفی وابستگی و جلوگیری از تاراج ثروت‌ها و منابع ملی و مقابله با فساد و فاصله طبقاتی؛
 ۵. **بعد دفاعی-امنیتی:** با تأکید بر ردّ سلطه کفار و استکبارستیزی و مقابله با نفوذ و مداخله بیگانگان و شکل‌گیری جبهه متحد اسلامی در مقابل غرب و شرق.
- بیداری اسلامی با ابعاد و ویژگی‌های فوق، به منزله یک پدیده اجتماعی در جریان است. این جریان براساس مبانی فکری و مجاهدت مصلحان اجتماعی، نهضت‌ها و گروه‌های فعال و حضور توده‌ای مردم در کشورهای اسلامی با رویکرد ایجابی و اثباتی در حال وقوع و تکامل است؛ براساس تجربه و الگوی گفتمانی بسیج در حفظ و تداوم بیداری اسلامی در ایران، از پیروزی تا نقش‌آفرینی در مراحل نظام‌سازی و تمدن‌پروری. حفظ و تداوم بیداری اسلامی در منطقه و جهان اسلام نیز مستلزم رویکرد ایجابی در تحقق ابعاد بیداری اسلامی و همچنین رویکرد سلبی در مقابله با آسیب‌ها و چالش‌های بیداری اسلامی است.^۱

۱. تجربه محدود بیداری اسلامی در منطقه نشان داد برخلاف گروهی که تصور می‌کردند بیداری اسلامی صرفاً یک جریان مذهبی رهایی‌بخش است، دیده شد که پاره‌ای از بی‌نظمی و آشفتگی‌های بعد از بیداری در ابعاد اقتصادی و امنیتی به راحتی مسیر را برای گروه‌های غرب‌گرا، در نقش ناجی معیشتی و نظم‌بخشی، فراهم کرد و آن‌ها نیز از خلأ پاسخگویی به مشکلات معیشتی، دست به مصادره انقلاب‌های مردمی زدند. همواره این مسئله، در مراحل مختلف انقلاب ایران به نوعی خودنمایی کرده است. همچنین آسیب‌شناسی سیر تحول و تکامل مؤلفه‌های تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی در طول چهار دهه گذشته نشان می‌دهد که انقلابی که با چشم‌انداز سرنوشت انسان و جهان، کنشگران خود را در خط مقدم تمدن‌سازی تعریف می‌کند و حتی قهرمانان بین‌المللی مقاومت و ایثار، ←

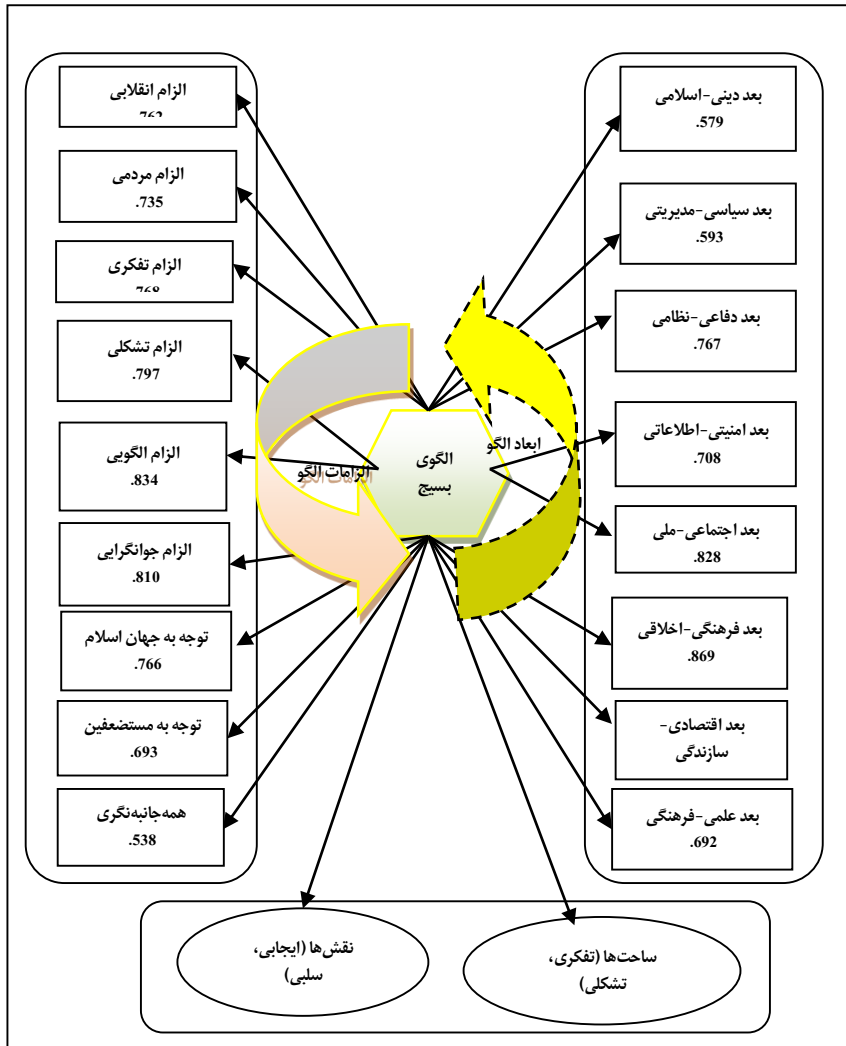
در گفتمان امام، الزامات در قالب هشت گره‌گاه اصلی با ۲۵ مقوله و ۵۱ مضمون و معرف که ۲۰۴ بار تکرار و تأکید شده است، دسته‌بندی می‌شود. همچنین در گفتمان رهبری الزامات در قالب نه گره‌گاه اصلی با ۳۵ مقوله و ۹۶ مضمون که ۴۵۶ بار تکرار و تأکید شده است، قابل دسته‌بندی است. بررسی الزامات گفتمان بسیج در دیدگاه امام و مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که از مجموع ۶۶۰ مضمون تکرار شده، هر دو گفتمان در هفت الزام انقلابی، مردمی، تفکری، تشکلی، جوانگرایی، الگویی و توجه به جهان اسلام، مشترک هستند. در حالی که امام بر مضمون عمومی مستضعفین در قالب بسیج بیشتر تأکید می‌کردند، مقام معظم رهبری بر الزام همه‌جانبه‌نگری، رهبری و فرماندهی در ساخت تفکری و تشکلی بسیج تأکید دارند.



شکل ۵: الزامات گفتمان بسیج؛ الگوی تجربه‌شده انقلاب اسلامی

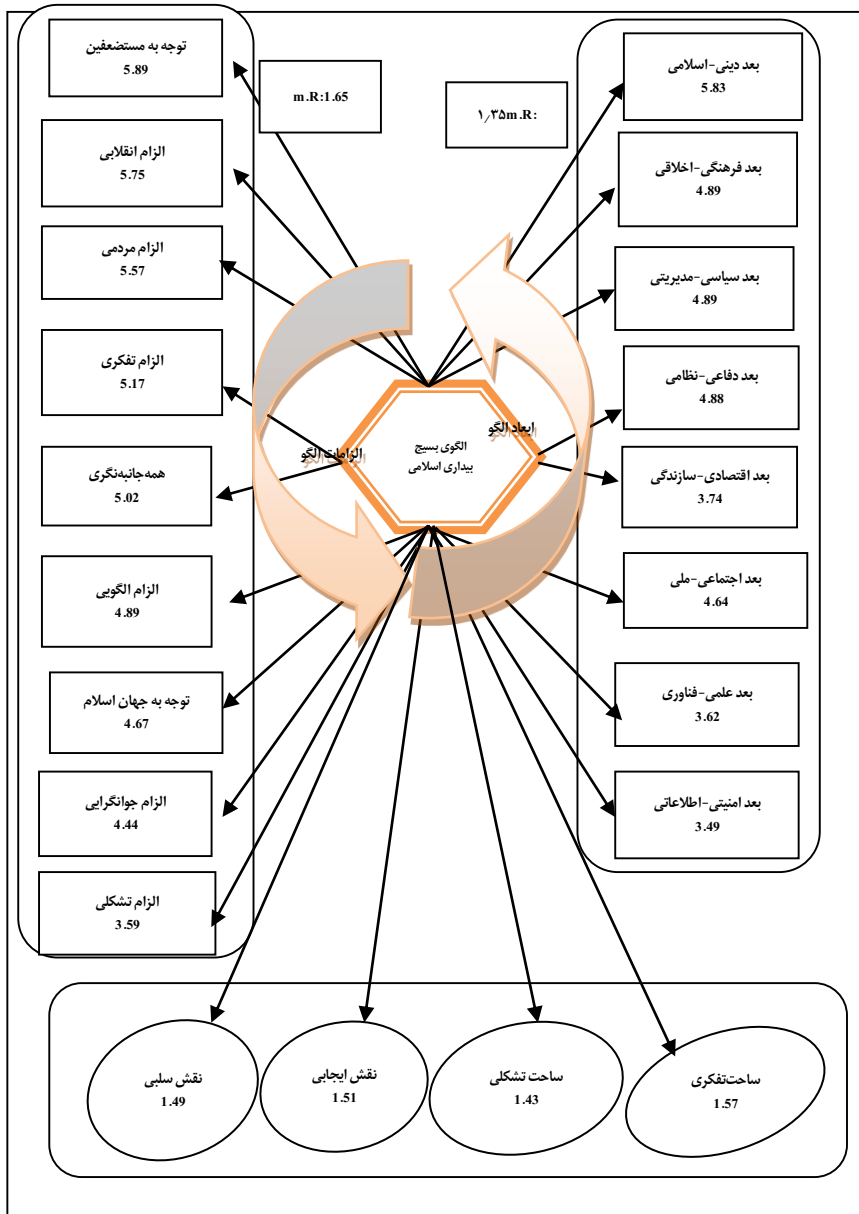
→ همچون شهید سلیمانی، در افق تمدنی خود تربیت و ارائه کرده است، در اثر رسوخ مؤلفه‌های غیرتمدنی (رفتارهای نامتوازن برخی نهادها و کارگزاران) در دام معیشت گرفتار و بحث اول کارگزارانش تنگناهای معیشتی می‌شود. این خط سیر دائمی است و بازگشت به مؤلفه‌های تمدن‌ساز اولیه نیاز به بازنگری در کنشگران تمدنی دارد. کنشگرانی که در قواره خودساختی تمدنی قرار نگرفته‌اند، دائماً دست‌وپاگیر حرکت تمدنی هستند. بر این منطق، تنها مهره‌های اطمینان‌بخش تکمیل فرایندهای انقلاب، از نقطه پیروزی تا بالندگی، مردم و توده‌فراگیر مردمی هستند که بسیاری از مشکلات را تحمل می‌کنند و بستر این حضور، بسیج با تجربه انقلاب اسلامی است. دفاع مقدس یکی از جلوه‌های بسیج‌کنندگی بود که مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «در دفاع مقدس برای حضور مردمی، یک مدل‌سازی جدیدی انجام گرفت. نحوه حضور مردمی یک نحوه شگفت‌آوری است... همه آحاد ملت ایران، آن‌هایی که مایل بودند در این عرصه شرکت کنند، هرکه بود، هرچه بود، توانست در یک شبکه زنده، کارآمد، داوطلبانه و پُرشور جای خودش را پیدا کند.» (مقام معظم رهبری، بیانات به مناسبت چهلمین سالگرد دفاع مقدس، ۱۳۹۹/۶/۳۱).

(منبع: یافته‌های پژوهش)



شکل ۶: وزن ابعاد و الزامات الگوی تجربه‌شده بسج در گفتمان انقلاب اسلامی

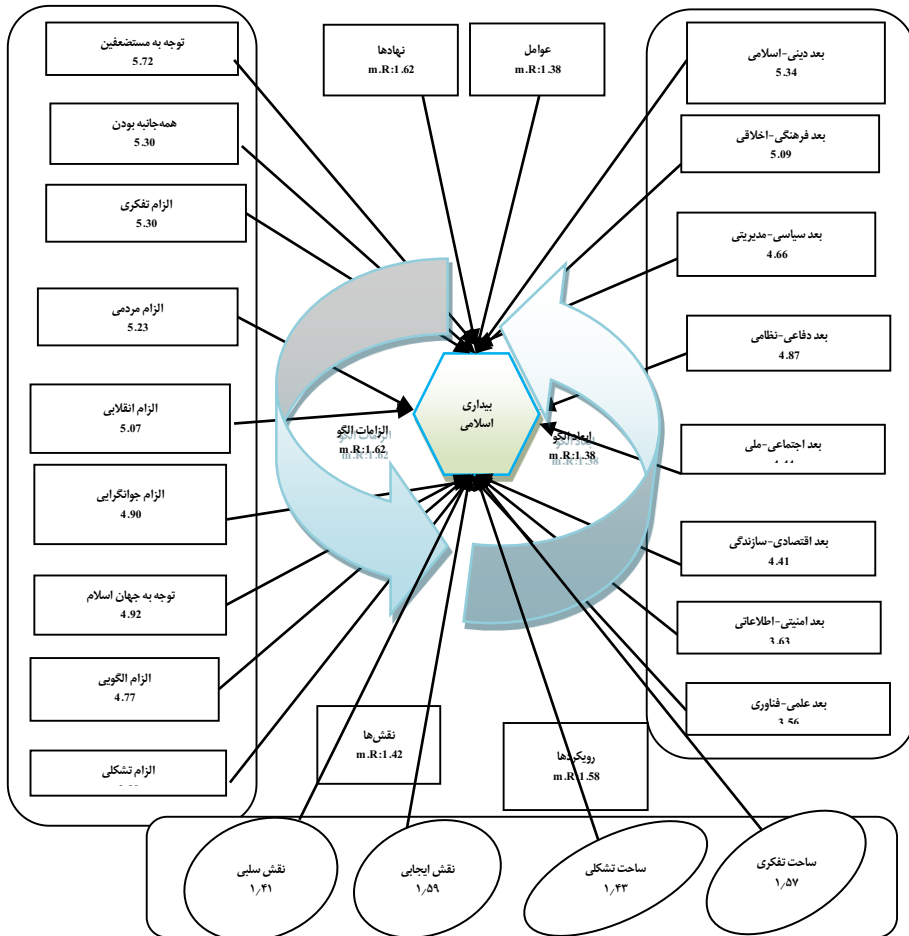
نتایج سنجش وزن ابعاد اولویت‌دار این الگو در تجربه انقلاب اسلامی عبارت هستند از: بعد فرهنگی و اخلاقی، بعد اجتماعی و ملی، بعد دفاعی و نظامی. نیز الزامات اولویت‌دار الگوی تجربه‌شده، شامل الگو بودن، جوانگرایی و الزام تشکلی و تفکری است.



شکل ۷: ابعاد و الزامات الگوی مؤثر بسیج برای بیداری اسلامی (الگوی بسیج بیداری اسلامی)

در ایجاد الگوی بسیج برای بیداری اسلامی، بُعد دینی-اسلامی، فرهنگی-اخلاقی، سیاسی-مدیریتی، و دفاعی-نظامی در اولویت است و الزامات توجه به مستضعفین، انقلابی بودن و مردمی بودن اولویت دارند.

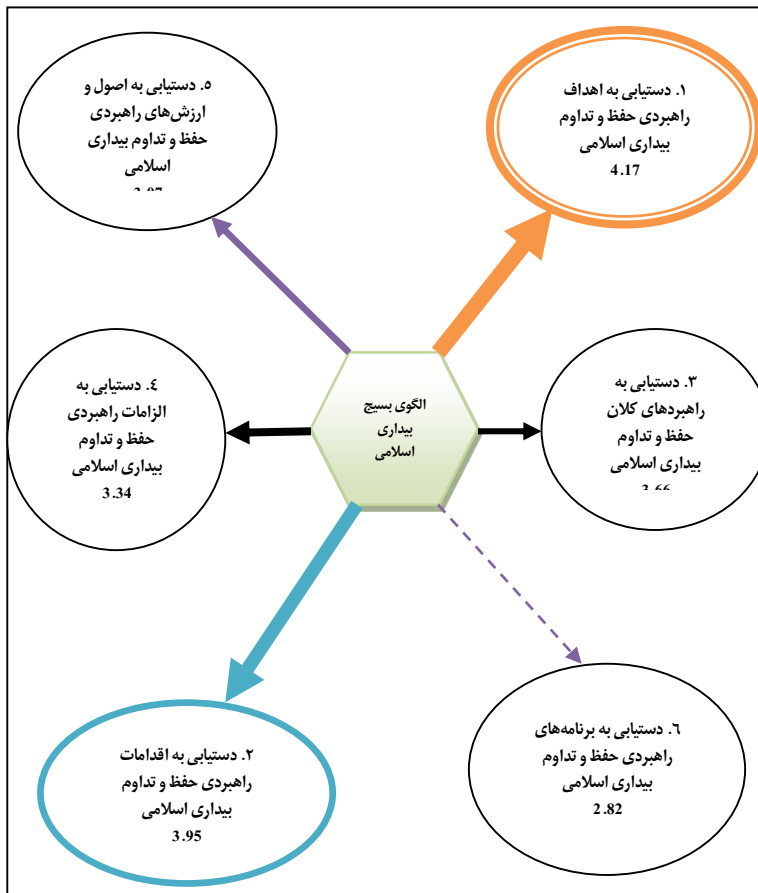
براساس مرور ادبیات و کنش‌های بیداری اسلامی در منطقه و جهان اسلام، ویژگی‌ها و عرصه‌های جریان بیداری اسلامی به پنج بُعد کلی (دینی-مذهبی، سیاسی-مدیریتی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-سازندگی، دفاعی-امنیتی) دسته‌بندی شد و تأثیر الگوی بسیج به تفکیک اجزای مختلف موردسنجش و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. اولویت اثربخشی الگوی بسیج بر ابعاد بیداری اسلامی به تفکیک ابعاد، الزامات، رویکردها، عوامل و نهادهای مؤثر عبارت است از:



شکل ۸: مدل تأثیر ابعاد، الزامات، رویکردها، عوامل و نهادهای مقوم الگوی بسیج در بیداری اسلامی

تحقق جریان بیداری اسلامی با ابعاد پنج‌گانه، مستلزم نقش‌آفرینی الگوی بسیج‌کنندگی

در دستیابی به فرایندهای راهبردی بیداری اسلامی است. براساس همگونی و قرابت محتوا و ماهیت بیداری اسلامی با نقش‌ها و اولویت‌های بسیج، الگوی اثربخش نقش‌آفرینی بسیج در حفظ و تداوم بیداری اسلامی، مستلزم تمرکز بر فرایندها و اولویت‌های راهبردی زیر است:



شکل ۹: مدل اولویت تأثیر الگوی بسیج در دستیابی به فرایندهای راهبردی حفظ و تداوم بیداری اسلامی

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی در جایگاه یک جریان تمدن‌ساز، محصول بیداری اسلامی و احیای اسلام ناب محمدی بر محور ولایت و رهبری اسلامی است که با گفتمان بسیج عمومی به پیروزی رسید و با اتکا به همین گفتمان، از ابتدای پیروزی و تأسیس نظام اسلامی، سبک‌های

مختلف مشارکت مشروع و مقبول مردم را در اداره جامعه رقم زد. با نهادینه شدن این جریان فکری و عملی، الگوی بسیج، به مثابه یکی از الگوهای مشارکت داوطلبانه و خودجوش مردمی برای جریان‌سازی اجتماعی در عرصه‌های مختلف سیاسی، دفاعی و... در اختیار رهبران و حاکمیت دینی قرار گرفت. این الگو با ابعاد و مختصات خاص در طول مبارزات و مراحل مختلف رشد و کمال نظام اسلامی ایران در عرصه‌ها و میدان‌های حضور و نقش‌آفرینی مردم آزمون و تجربه شد و به همین دلیل، به منزله یک الگوی موفق ایرانی-اسلامی، خاستگاه منطقه‌ای و جهانی پیدا کرد.

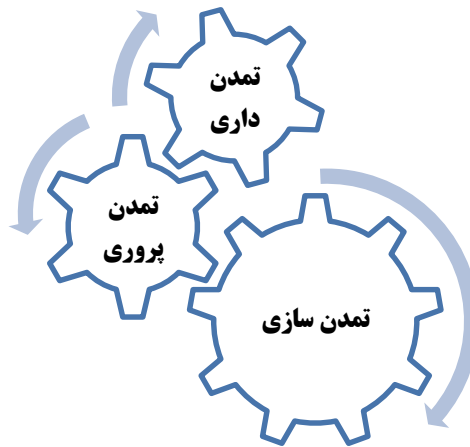
الگوبرداری از این تجربه موفق در جریان بیداری اسلامی، در کشورهایی مانند لبنان، عراق و سوریه، این فرضیه را مطرح کرد که گفتمان بسیج می‌تواند کنش‌های موفق جریان بیداری اسلامی را تا دستیابی به اهداف نهایی و استقرار حاکمیت دینی و مردم‌سالاری دینی حفظ و تداوم ببخشد.

تبیین گفتمان بسیج، در نقش یک پارادایم فعال و کنشگر در عرصه‌های مختلف یک انقلاب و جنبش اجتماعی، مستلزم تبیین ابعاد، الزامات، رویکردها و عوامل بسیج‌گر و گره‌گاه‌های فکری و ساختاری فعال‌ساز آن در نسبت با آگاهی، عواطف و رفتارهای افراد و کنشگران اجتماعی است که آنان را حول اهداف و آرمان‌های مشترک جمع و به حرکت وادار می‌کند.

رجوع به ادبیات و پیشینه تفکری و تشکلی بسیج در تجربه انقلاب اسلامی و تحلیل اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، الگویی گفتمانی از بسیج ارائه می‌کند که دارای ۸ بُعد یا گره‌گاه اصلی، ۹ الزام، ۴ رویکرد، ۱۲ عامل بسیج‌گر و ۸ نهاد و رکن مقوم بسیج در جامعه با مؤلفه‌ها و مفاهیم هم‌ارزی است که ابعاد بسیج را در گستره جامعه تعیین بخشیده است.

بازخوانی این الگو در ارتباط با جریان بیداری اسلامی، به مثابه یک جنبش عمومی اسلامی، نیازمند بحث خبرگی و روشمند برای تعیین و اولویت‌بندی این اجزا در تطبیق با شرایط و ویژگی‌های بیداری اسلامی بوده است. نتایج بررسی انجام‌شده، ضمن تبیین کلیت

الگو در ارتباط با بیداری اسلامی، چشم‌انداز تأثیر کلان و اولویت‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر را با اتکا به نظرات صاحب‌نظران و کارشناسان این حوزه تدقیق کرده است و الگویی نظری و مفهومی از ارتباط و نقش الگوی گفتمان بسیج در فرایندهای بیداری اسلامی ارائه می‌کند که می‌تواند در شرایط حال و آینده حفظ و تداوم بیداری اسلامی (متناسب با مراحل سه‌گانه تمدن‌سازی، تمدن‌پروری و تمدن‌داری) مورد استناد و وثوق فعالان این حوزه قرار بگیرد.



شکل ۱۰: چرخه مراحل ساخت تمدن در الگوی رفتاری بسیج
(منبع: یافته‌های پژوهش)

مطابق با این مرحله بندی، انتخاب رویکردها و مبانی و اصول و اهداف راهبردی در مرحله تمدن‌سازی باید اتفاق بیفتد که به طور ویژه، از سوی رهبران و نخبگان صورت می‌گیرد. تعیین کارگزاران و انتخاب راهبردها در مرحله تمدن‌پروری است که نهادسازی و بسیج کردن منابع در این مرحله اتفاق می‌افتد. در مرحله تمدن‌داری باید نقش‌ها، فعالیت‌ها و اقدامات، اولویت‌بندی و اجرا شود که برعهده پیاده‌نظام تمدنی است؛ یعنی هسته‌ها، گروه‌ها و افرادی که در مرحله تمدن‌پروری به واسطه نهادهای تمدنی تربیت و پرورش یافته‌اند. الگوی رفتاری بسیج، در این مرحله شکل اجرایی به خود می‌گیرد.

تأکید این الگو، توجه به اولویت ابعاد پنج‌گانه (اجتماعی-فرهنگی، دینی-مذهبی، دفاعی-امنیتی، سیاسی-مدیریتی، اقتصادی-توسعه‌یافتگی) جریان بیداری اسلامی است.

همچنین مدل کلی اثربخشی الگو در فرایندهای شش‌گانه راهبردی، با اولویت اهداف، اقدامات، راهبردهای کلان، الزامات، اصول و ارزش‌ها، و برنامه‌های راهبردی، با ترجیح و اولویت دستیابی به مؤلفه‌های زیر است:

۱. احیای ارزش‌های اسلام؛
۲. ایثار و مقاومت؛
۳. دفاع از حاکمیت و سرزمین اسلامی و کشور، در مقابل هجوم استکبار؛
۴. اتکای مردمی؛
۵. اصول و ارزش‌های اسلامی؛
۶. توانمندسازی و آمادگی.

اولویت و ترجیح الزامات بر ابعاد و وجوه کارکردی الگو و نیز اولویت و ترجیح رویکرد تفکری و ایجابی بر رویکرد تشکیلی و سلبی، در کنار توجه به تنوع مؤلفه‌ها و همبستگی درونی اجزای الگو بیان‌کننده آن است که الگوی به‌دست‌آمده، ماهیت نظری و گفتمانی دارد و در صحنه عمل جریانات بیداری اسلامی، نیاز به آزمون تجربی و بومی محلی دارد.

بیداری اسلامی، جریانی مذهبی و ضد استبدادی و ضد استکباری که در پی تحقق دین، به منزله منشور زندگی سعادت‌مند بشر، در سبک زندگی اسلامی مطرح و پیگیری می‌شود؛ بنابراین، مهم‌ترین رکن این موضوع، پذیرش نسل انسان براساس اصل فطرت و اقدام برای تربیت به سبک اسلامی با تعالیم و آموزه‌های الهی است که منادی آن رسولان و اولیای الهی هستند. هرچند این جریان از ابتدای تاریخ، به مثابه یک ادعای تمدنی طرح و پیگیری شده است، اما غلبه رویکرد غیرالهی و بشری در تمدن نوین و مدرن غربی که در منطق و زیر سیطره لیبرال دمکراسی رایج شده است، این آرمان انسانی را با چالش‌ها و رسوباتی همراه کرده است که بازنگری و تغییر آن جز به شیوه انقلابی و با تکیه بر توان عمومی و بسیج فراگیر غیرممکن است؛ ازاین‌رو، عموم رهبران، فرهیختگان و نخبگان جهان اسلام در پی احیای تفکر دینی و بازگشت به این تعالیم سعادت‌محور، به شیوه انقلابی و سرنوشت‌ساز، داعیه تمدن‌سازی اسلامی دارند. اولین و مهم‌ترین این جریان تمدن‌ساز، در انقلاب اسلامی با

رهبر امام خمینی علیه السلام و پشتیبانی ایتارگرانه مردم ایران به ثمر نشست و راه را برای مشارکت سایر ملل اسلامی فراهم ساخت. اگر اصل و محتوای این جریان را تمدن سازی فرض کنیم که بنیادهای تمدنی به‌شیوه جدید و متفاوت از جریان انقلابی صدر اسلام بازخوانی شده است، دوام و پایداری این جریان نیاز به حضور معنی دار تفکری و تشکلی مردم در متن جریان‌خواهی اسلامی دارد. این جریان‌خواهی اسلامی، برخلاف روندهای قبلی که در بستر یک تمدن ساخته‌شده انسانی مطرح می‌شده است، لازم است در قواره تمدنی اسلام پایه ریزی و مطرح شود؛ یعنی اهداف، اصول و اقدامات لازم جهت برساخت تمدن نوین را براساس شرایط اجتماعی ملل اسلامی بازیابی کند؛ به‌گونه‌ای که از مرحله طرح اولیه تمدنی فراتر رفته و عوامل و کارگزاران تمدن پروری و تمدن داری را برای گذر از پیچ‌وخم‌های سیر کمال تمدنی فراهم کند. بدین‌سان، علاوه بر راهبردهای اساسی ساخت‌یابی تمدن باید برنامه و اقدامات پایداری تمدن در ابعاد پنج‌گانه (دینی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دفاعی) بر مبنای توان، ظرفیت و نقش‌پذیری اجتماعی آحاد مخاطبان تمدنی فراهم گردد. بر مبنای الگوی تجربه‌شده، مهم‌ترین مراحل و فعالیت‌های بسیج عمومی مردم در مراحل سه‌گانه ساخت تمدن، پرورش تمدن و نگهداری تمدن، عبارت هستند از:

۱. تلاش برای رهبری و هدایت جریان بیداری اسلامی از کانون ایران، با تمرکز بر ابعاد دینی-اسلامی، سیاسی-مدیریتی و فرهنگی-اخلاقی در الگوی بسیج بیداری؛
۲. مؤلفه‌های اولویت‌دار این گفتمان در مراحل سه‌گانه تمدن‌سازی اسلامی، عبارت‌اند از: تمرکز بر اهداف الهی و اسلامی، بصیرت و هوشیاری سیاسی، دفاع از دین، انقلاب و نظام، رصد اطلاعاتی و امنیتی، روحیه انقلابی، ایشار و مقاومت، محرومیت‌زدایی و پیشتازی علمی؛
۳. تمرکز بر الزام توجه به مستضعفین، انقلابی بودن و مردمی بودن الگوی بسیج، به‌ویژه در مرحله شکل‌گیری بسیج در متن بیداری اسلامی؛
۴. تأکید بر رویکرد تفکری و نظری بسیج؛ یعنی جریان‌سازی فکری و تبیین اصول و مبانی جنبش و حرکت بیداری اسلامی؛

۵. تأکید بر نقش ایجابی و اثباتی الگوی بسیج؛ یعنی آگاه‌سازی و هوشیاری مردم برای ایفای نقش مؤثر در فرایند راهبرددنگاری و برنامه‌ریزی مراحل مبارزه، آمادگی عمومی و توان نظام‌سازی.

تأکید بر اهداف راهبردی الگوی بسیج بیداری اسلامی که عبارت‌اند از:

احیای اسلام و ارزش‌های اسلامی؛

وحدت امت اسلامی؛

آمادگی و توانمندی مقابله با دشمن؛

ایجاد حکومت اسلامی و استقرار حاکمیت دینی و مردم‌سالاری دینی؛

ارجحیت اصول و ارزش‌های اسلامی و انسانی بر ارزش‌های ملی و محلی.

اساس حفظ و تداوم بیداری اسلامی بر درون‌مایه‌های الگوی بسیج، یعنی مقاومت و ایثار، بصیرت و هوشیاری، مقابله با نفوذ نرم و سخت دشمن، مجاهدت و تلاش جهادی، خودسازی و معنویت، و انسجام و وحدت درونی، استوار است؛ از این رو، در اولویت قرارگرفتن این اقدامات در الگوی بسیج، طی فرایند بیداری اسلامی، می‌تواند ضامن تحقق اهداف و ارزش‌های بنیادین بیداری اسلامی باشد.

عوامل و اقشار تأثیرگذار الگوی بسیج برای بیداری اسلامی به ترتیب اولویت عبارت

هستند از:

۱. رهبران دینی و روحانیت؛
۲. دانشجویان؛
۳. هنرمندان؛
۴. جوانان؛
۵. زنان؛
۶. نخبگان سیاسی، علمی و دانشگاهی؛
۷. عشایر و روستاییان؛
۸. دانش‌آموزان؛

۹. کارمندان دولتی؛

۱۰. کارگران و کشاورزان؛

۱۱. سایر اقشار اجتماعی؛

۱۲. میانسالان و بزرگسالان.

نهادهای و ارکان تأثیرگذار الگوی بسیج برای بیداری اسلامی به ترتیب اولویت عبارت

هستند از:

۱. مساجد، تکایا و مراکز دینی؛

۲. رسانه‌ها و مطبوعات؛

۳. فضای مجازی و الکترونیکی؛

۴. دانشگاه‌ها و مراکز علمی؛

۵. نهادهای و تشکل‌های مردمی؛

۶. احزاب و گروه‌های سیاسی؛

۷. نهادهای و سازمان‌های دولتی؛

۸. اصناف و اتحادیه‌ها.

وقت آن رسیده است به این موضوع پرداخته شود که بذر اندیشه کاشته شده الگوی بسیج در جهان اسلام و جنبش جهانی مستضعفین، در حال به ثمر نشستن است. امروزه رهبران، هسته‌های فراملی و جهانی این الگو در حوزه نفوذ تمدنی، عوامل و ارکان پایداری تمدنی را در قواره تمدن و امت اسلامی می‌جویند و باید به این گستره پروبال اجرایی داده شود؛ زیرا تمدن در کالبد سرزمین و در اندیشه افراد محصور نمی‌ماند، پس باید به تمدن پروبالی از جنس رفتار داد تا خود را زایا و پویا کند. اگر امروز از یک شهروند و یا سیاستمدار چینی سؤال شود که توافقات و اختلافات شما با آمریکا بر سر چیست؟ حتماً پاسخ خواهد داد: «بر سر داعیه‌های تمدنی» و اگر سؤال دوم را بپرسید که شما چگونه به این موضوع پاسخ خواهید داد؟ قطعاً پاسخ خواهد داد: «با سخت‌کوشی و تکثیر بیشتر در دل آن‌ها!» و اگر در سؤال سوم بپرسید چگونه در اختلاف تکثیر می‌شوید؟ جواب خواهد داد: «در حوزه نفوذ او

رسوخ می‌کنیم و جای او را می‌گیریم!». جمع‌بندی این پاسخ‌ها از منظر او این است: «ما برای داعیه‌های تمدنی خود، رفتار تمدنی انجام می‌دهیم»؛ یعنی برای آنان فرقی نمی‌کند با آمریکا در حال توافق هستند یا در اختلاف، بلکه رفتار خود را براساس انتظارات تمدنی سامان می‌دهند.

درنهایت، می‌خواهم بگویم الگوی بسیج در گفتمان انقلاب اسلامی، همان الگویی است که باید داعیه‌های تمدنی ما را در متن بیداری اسلامی به رفتار تمدنی تبدیل کند؛ به عبارت مختصرتر، الگوی بسیج الگوی رفتارهای تمدنی است. رفتار تمدنی شیوه تفکر، سبک زندگی و محتوای خاص خود را از ترکیب انتظارات مکتبی و ملی سامان می‌دهد؛ رفتار یا مجموعه رفتارهایی که می‌شود با حفظ هویت تمدنی، حوزه نفوذ تمدنی خود را نیز گسترش داد.

کتابنامه

- بیانات و پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای: <https://farsi.khamenei.ir>.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۳) گفتمان، پادگفتمان و سیاست. تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- خانی، مهدی. (۱۳۹۲). شناخت بسیج. تهران، روابط عمومی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- زارعی، سعدالله. (۱۳۹۲). ریشه‌های هنجاری بیداری اسلامی در منطقه، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۵۳ (۱۴)، ۳۰-۱۵.
- عبدالملکی و هادی. (۱۳۹۶). طراحی الگوی راهبردی موفقیت گفتمان بسیج در حفظ و تداوم بیداری اسلامی. تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده مدیریت راهبردی.
- عمید، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ لغات عمید. تهران، انتشارات امیرکبیر.
- فرقانی، محمدمهدی. (۱۳۸۲). راه دراز گذار. تهران، فرهنگ و اندیشه.
- داوری، رضا. (۱۳۹۰). هنر و حقیقت. تهران، انتشارات رستا.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه نور. تهران، مرکز نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- یورگنسن، ماریان، و فیلیپس، لوئیز. (۱۳۹۱). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. (هادی جلیلی، مترجم). تهران، نشر نی.
- Laclau.E and Miouffe.C. (1985). Hegemony and socialist strategy. Towards a radical politics London, Verso.
- Laclau. E. (1990). New reflections on revolution of ourtime. London, Verso